



سال بیستم

اول سرطان ۱۳۴۱

شماره ششم

عبدالحی حبیبی

### صنعت توپ سازی در دوره احمدشاهی

هنگامیکه اعلیحضرت احمدشاه بابا اساس سلطنت افغانی را در سنه ۱۱۶۰ هـ در قندهار باز گذاشت، افغانستان محتاج تشکیلات وسیعی بود، که باید در امور ملکی و لشکری گرفته میشد، و از انجمله تشکیل یک اردوی دولتی بود که مجهز به سلاح آن عصر باشد. پیش از جلوس احمدشاهی، مملکت مادورهای تسلط در شاهنشاهی بزرگ آنوقت یعنی تیموریان هند و صفویان فارس را گذرانیده بود، و لابد مواردی از تشکیلات نظامی او ملکی و تجهیزات لشکری داشت، و استعمال توپ و تفنگ را عین از عصر بابر و (حدود ۹۰۰ هـ) در افغانستان می بینیم.

احمد شاه بابا چون پیش از سلطنت شخص آزموده کار و یکی از جنرالان نظامی عصر بود، برای عساکر شاهانه توپ و اسلحه ناریه را نیز تهیه دیده بود، که از انجمله در اوراق تاریخ، بوجود برخی از توپهای مشهور عصر احمدشاهی بر میخوریم.

گویند در پیکار معروف پانی پت که یک لشکر افغانی را باده لک مرآتیه هند جنوبی روی داده بود، ابراهیم خان قوماندان توپخانه مرآتیه، توپهای قاعه کوب بزرگ، و دو صد توپ صحرائی داشت، ولی قوای احمدشاهی فقط دارای سی توپ بودند (۱)

### توپ زمزمه

توپ مشهوریست که لشکریان اعلیحضرت احمدشاه بابا آنرا در جنگ و فتح پانیپت استعمال کرده بود . این توپ در سنه ۱۱۶۴ هـ ۱۷۵۰ در لاهور بامر وزیر شاه ولیخان، ذریعه شاه نظیر توپ ساز ریخته شده بود. و یک توپ دیگر هم نظیر آن بود، که بعد از فتح پانیپت حین انتقال بافغانستان در رود چناب غرق شد .  
توپ زمزمه از مس و روی مخلوط ساخته شده و طول آن ۱۴ فوت و ۴ و نیم انچ و قطر دهان آن ۹ و نیم انچ است .

توپ زمزمه بعد از فتح پانیپت در لاهور بدست خواجه عبید حکمدار افغانی ماند ، که در سال ۱۷۶۲ م بدست هری سنگه افتاد و تا ۱۷۶۴ در شاه برج قلعه لاهور بود. در همین سال سردار چرت سنگه که از اسلاف رنجیت سنگه بود ، زمزمه را به گوجرانواله برد، و از آنجا بدست سردار احمد خان راجپوت به احمد نگر پنجاب آورده شد، و بتصرف گوجر سنگه درآمد .

در سال ۱۷۷۲ باز بدست احمد خان بطرف رسولنگر برده شد ، و بسال ۱۷۷۳ چند سال سنگه آنرا با مر نسر آورد ، تا در ۱۸۰۲ م حین فتح امرتسر بدست رنجیت سنگه افتاد . و در جنگهای سنگه، قصور، سجانپور، وزیر آباد، ملتان ازین توپ کار می گرفت در محاصره ملتان باین توپ خسارتی وارد آمد، و بدروازه دهلی شهر لاهور رسانیده شد. تا که در سال ۱۸۷۰ م انگلیسیان آنرا در بین پوهنتون و موزیم لاهور بر صفتی نصب کردند و تا کنون همانجا است . بر دهان توپ منقوش است:

بامر در دوران شاولیخان وزیر      ساخت توپ زمزمه نام قلعه گیر

(عمل شاه نظیر)

بر پشت توپ نوشته اند :

دور داد بخش عدل شعار

در زمان شه فریدون فر

خسر و تخت گیر و جم مقدار

در دوران عصر احمدشاه

امر از سده سپهر مدار

شد بدستور اشرف الوزراء

توپ شعبان شکوه کوه وقار	که برزد باهتمام تمام
شهو لیخان وزیر اکثر کار	خانه زاد شه سپهر سریر
کرد استاد چند را احضار	بهر تقدیم آن مهم سترگ
زمزمه نام توپ نادر کار	قاسمی تمام ریخته شد
کرد با وحشت آنچنان اظهار	سال تاریخش از خرد جسمم
راز پنهان بنوکنم تکرار	آه اگر نقد جان کنی تسلیم

بعد تسلیم او بگفتا توپ

«بیکراژ دهای آتشبار» (۱)

(۱۱۴۶ هـ)

از توپهای دیگر آن عصر دو اطلاع در دست است. در کتب خانسه فاضل سخندان بناغلی گویا اعتمادی جنگی نهایت گرانبها موجود است، که مملواز اطلاعات بسیار مغتنم و نادر تاریخی است. و نویسنده آن متخلص به (هراتی) نواسه عبدالله ابن ابو سعیدالهروی بود، که غالباً در عصر احمدشاهی و تیمورشاهی با رجال دیوان انشای شهنشاهی محشور بوده. مطالب تاریخی این مجموعه گرانبها درخور مقاله علیحده ایست، ولی در اینجا با جزئیات دانشمند موصوف که با کمال مهر بانی ورواداری این مجموعه نفیس را بدسترس نویسنده گذاشته اند، تاریخ ساختن دو توپ دیگر رامینویسیم:

در سنه (۱۱۸۵ هـ) که شهزاده تیمور در هرات حکمرانی داشت با امر وی توپی را در آنجا بوسیله صنعت گران آن شهر ریخته بودند. تاریخ ساختن آنرا میرزا هادی خان متخلص به عشرت بن میرزا عبدالله متخلص به سرور (به دوضمه) که از منشیان و شعرای دربار بود، چنین گفت:

وله دام عزه در تار یخ توپ که بحسب فرما یش تیمور شاه در هرات  
ریخته شده

(۱) آریانا، کابل، شماره ۸۹، جوزا ۱۳۲۹ ش ترجمه از معارف اعظم گد ه بقلم نویسنده

تیمورشهر (۱) که شاهی از وی  
 از لنگر او عجب نبا شد  
 خورشید بچرخ از توهم  
 فرمود که توپ چند ریزد  
 توپی که کند بخصم عاید  
 خدام کمر به جهد بستند  
 تا آنکه گرفت زیبا تمام  
 تار یخ سوار گشتن آن  
 جنتم ز تلافی و نوازش  
 گفتا که ز غیبش اشارت  
 شد سکه بزر چون نقش شاهی  
 خم گر دد اگر که پشت ماهی  
 لرزنده چو بید و چهره کاهی  
 استاد زبهر کینه خواهی  
 از آتش و دود روسیاهی  
 در مدت بیست روز ماهی  
 از عون و عنایت الهی  
 عشرت زخرد بسجوا کماهی  
 شد رهبر مابعد رخساری  
 سوزنده خصم پادشاهی (۲)

از مصر عاخر سنه (۱۱۸۵ هـ) که در اصل هم بخط سرخ نوشته شده برمی آید.  
 و از مضمون قطعه معلوم است، که درین اوقات توپهای متعدد در اهرات ساخته  
 میبودند.

اما توپ دیگر با امر همین شهزاده، در سنه (۱۱۷۰ هـ) در لاهور به توجه دستور او  
 و کار حسن خان (یکی از توپ سازان) ساخته شده بود، که همان شاعر و منشی  
 تاریخ ساختن آنرا چنین منظوم داشت:

زنواب همایون شاه تیمور آنکه از بیمش  
 ز بس دست ستم از عدل او کوتاه بود شاید  
 چو از جادرو و طبع همایونش، بکین خواهی  
 زند بر هم ز چین ابروان چین را بیک ایما  
 رود ساغر دست و شیشه قالب میکند خالی  
 ز بیم احتسابش میگریزد نشأ از صهبایا

(۱) احمد شاه بابا ۲۰ رجب ۱۱۸۶ هـ در کوه توبه کوزک قندهار از جهان رفت و تیمور شاه  
 بجایش نشست. اما درین قطعه در سنه ۱۱۸۵ هـ تیمور را شاه خوانده اند که سکه زده بود.  
 و ازین پدید می آید که شهزاده در اواخر زندگی پدر در اهرات اعلان شاهی را داده باشد.  
 (۲) چنگی خطی شاغلی گویا اعتمادی، ص ۳۹

بدستور معظم آصف دوران که تدبیرش  
 خروشد گرسپاه او بوقت جنگ در میدان  
 شد امر از بهر توپیی چند تاریزند استادان  
 طلب نر مود دستور معظم او ستادان را  
 حسن خان کرد بر وجه حسن اقبال این معنی  
 ز اقبال شه و دستور اعظم توپ خصم افگن  
 سردشمن بی تاریخ او چون کوفتم گفتم

در عنوان این قطعه کلمات (وله تاریخ توپ که بحسب فرمایش تیمور شاه در اذال السلطنه  
 لاهور ریخته شده) و این همان وقتی است که شهزاده در لاهور نائب السلطنه هندوستان  
 بود، و دستور معظم او هم شاید سردار جهان خان پوپلزائی باشد، که در هند بحضور نائب  
 السلطنه افغانی قیام داشت.

تاریخ ساختن این توپ از مصراع اخیر (۱۱۷۰ هـ) بر می آید، که در اصل جنگه نیز  
 بخط سرخ زیر آن نوشته اند ولی این عدد در صورتی راست می آید که الف ممد و ذ کلمه  
 آوازا بدو الف بشماریم و الا بحساب جمل مجموعها عداد حروف مصراع (۱۱۶۹ هـ)  
 خواهد بود.

از کلمات توپیی چند نیز ظاهر است که در آنوقت در لاهور توپهای متعدد را  
 ساخته اند اما حسن خان سازنده این توپ شاید همان توپ سازی باشد، که شاگرد استاد  
 شاه نظیر سازنده توپ زمزمه بود، و بناغلی عزیز الدین پوپلزئی نام او را محبوب حسن نوشته  
 و گوید که در سنه ۱۲۱۲ هـ با مر اعلی حضرت شاه زمان بکابل خواسته شده و توپ معروف  
 زبر زنگ را که (تاریخ آن از کلمات پیک ظفر ۱۲۱۲ هـ بر می آید) ریخته بود (۲)  
 بناغلی پوپلزئی در تاریخچه زبر زنگ اضافه میکند که این توپ در برابر ایوان  
 قصر چهل ستون خیابان کابل نصب بود، ولی سردار محمد عظیم خان آنرا به برادرش

(۱) همان جنگه خطی، ص ۴۰

(۲) درقا لزمان، ص ۳۱، طبع کابل

سردار دوست محمد خان بخشید و اورا به حکمرانی غزنی فرستاد (۱)

این اشارات بناغلی پوپلزی اگر مستند به مدارک معتبری باشد چنان میسر باشد، که سردار دوست محمد خان زبر زنگ را به غزنه انتقال داده باشد پس میتوان بقیه بیوگرافی این توپ را از آثار مورخان مابعد تکمیل کرد باین تفصیل:

در سال ۱۸۳۹م چون لشکر معروف اندوس بر افغانستان تجاوز کرد، و سردار علام حیدرخان بن امیر دوست محمد خان از غزنه دفاع میکرد توپی بزرگ در دسترس مجاهدین ملی ما بود، که نقش آن در همان ۱۸۳۹م بقلم جنرال ان لشکری انگلیس ساخته شد، و در کلکسیون تصاویر تاریخی لشکر اندوس به رئیس وهنیت مدیره ایست اندیا کمپنی از طرف جوزف فورویل والتر تقدیم گردید و این کلکسیون نفیس در چند جلد در همان سال ۱۸۳۹م بسعی سر کیت ای جیکسن طبع و نشر شد.

ذکر ازین توپ کلان غزنه در نوشته های جنرال ان و مورخان انگلیسی نیز موجود است، و میرزا عطا محمد شکار پوری در کتاب تازه نوای معارک در شرح جنگ غزنه و حمله لشکر انگلیسی بران گوید:

دو گوله توپ از جانب قلعه (غزنی) بر آمده، در میان لشکر افتادند، یک نفر شتر و یک نفر سپاهی و یک امپ چون کاغذ پادی بر هوا پریدند صاحبان عالیشان، هر گاه همان گوله را وزن کردند بیست و شش پیر وزن پخته شده. در صورت رسیدن این چنین گولهای توپ، در لشکر باعث تهاکه شده، و تمام فوج در هراس آمد. (۲)

این سبطو، را غالباً منشی شکار پوری از تاریخ افغانستان تالیف میراشر فاعلی بانی مجمع الاخبار طبع بمبئی ۱۸۴۵م گرفته که میر موصوف نیز آنرا از وقایع سید قدا حسین ترکسوار بخاری حیدری (طبع دهلی قبل از ۱۸۴۵م) گرفته است.

چون قدا حسین در لشکر اندوس با افغانستان آمده وقایع جنگ اول را برای العین دیده است، بنابراین روایت وی درباره اهمیت توپ غزنه اذیق است ولی بیقین معلوم نیست که این توپ همان زبر زنگ بود یا دیگری؟

(۱) همان کتاب ص ۲۱۱. وای بناغلی نویسنده کتاب در اینجا حواله و سند خود را درباره این معارک مفتمم ننوشته، که از کجا فراهم آورده اند؟ ابکاش امدارک خود را در حواشی نشان میدهند.

(۲) نوای معارک، ص ۲۹۳ طبع بمبئی.